

گفت‌وگو با «سروش طالبی اسکندری» دبیر کارگروه سیاست‌پژوهی اندیشکده آب ایران

پرهیز از حذف سیستماتیک

سروش طالبی اسکندری، دبیر کارگروه سیاست‌پژوهی اندیشکده آب ایران در گفت‌وگو با ما می‌گوید که آب انتقالی بین حوضه‌های، گران است و استفاده از آن در هر جا که باشد، نمی‌تواند هزینه‌ها را پوشش دهد و این گزاره که ما جایی آب اضافه داریم، یک توهم است. مسائلی که امروز در بخش آب داریم، تنها به موضوع بهره‌وری مربوط نمی‌شود و حتی در مواردی موضوع بهره‌وری، خود می‌تواند باعث حادثه شدن مشکل آب شود. میزان وابستگی به مصرف آب آن‌قدر زیاد شده که چالش‌های زیادی را به وجود آورده است و با وضعیت نامناسب به دلیل بارگذاری زیاد در منابع آب روبه‌رو هستیم. همچنین آمایش سرزمین می‌خواهد تجویز درست ارائه دهد، اما مسئله بسیار تعارض برانگیز است و در صحنه تعارض و نزاع بین گروه‌های مختلف، به نظر آمایش سرزمین باطل می‌شود.



در صنعت مصرف‌شود که ادعا می‌شود بهره‌وری بالایی دارد. لذا این موضوع چالش مهمی ایجاد می‌کند. نکته مهم دیگری که جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خودش را دارد، این است که اساساً این گزاره که «ما جایی آب اضافه داریم، یک توهم است». از خوزستان گرفته تا جلگه‌های حاشیه خزر، ما جایی آب اضافه که قابل انتقال باشد، نداریم. همان‌طور که مستحضرید امسال در شالیزارهای گیلان مسئله تأمین آب وجود داشته، در خوزستان سال‌هاست چالش‌ها از ریزگردها گرفته تا کشاورزی و شرب، خودش را نشان داده است. لذا این موضوع باعث می‌شود که حوزه مبدأ نیز

♦♦ در مورد آسیب‌های احتمالی انتقال بین‌حوضه‌ای آب توضیح دهید و این‌که چه چاره‌ای برای به حداقل رساندن یا عدم انتقال بین‌حوضه‌ای متصور است؟

آسیب‌های احتمالی انتقال بین‌حوضه‌ای آب بسیار زیاد و متنوع است و شامل آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست-محیطی می‌شود.

در توضیح آسیب‌های اقتصادی باید گفت، اصولاً پروژه‌های انتقال آب نیاز به هزینه‌های سنگینی دارند و زیرساخت و هزینه اولیه موردنیاز آن‌ها بسیار گران‌قیمت خواهد بود و در نتیجه آب تأمین‌شده نیز گران‌درمی‌آید و در هر جایی که استفاده شود نمی‌تواند هزینه‌ها را پوشش دهد؛ حتی اگر

درگیر چالش‌های جدی شود. به عبارتی جامعه‌ای که قبلاً از آن آب استفاده می‌کرده، احساس بی‌عدالتی می‌کند و برای احقاق حق خود تلاش می‌نماید، موضوعی که مصادیق آن را زیاد دیده‌ایم؛ به‌عنوان مثال تخریب خط لوله، اعتراض و داستان‌هایی از این قبیل.

همچنین علاوه بر خط لوله انتقال که چالش‌های زیادی از جمله هزینه‌های بهره‌برداری و پمپاژ را ایجاد می‌کند، جنبه زیست‌محیطی دیگری که اخیراً پررنگ شده مربوط به آسیب‌هایی است که حفر تونل انتقال آب به آب‌های زیرزمینی و



برای پاسخ به این پرسش به سه نکته باید توجه نمود؛ اول این که در کشور فساد وجود دارد و پروژه‌های سنگین، منافع قابل توجهی دارند و برادران پروژه انجام بده، به چنین جریان‌های مالی که پراز فساد است، عادت و نیاز دارند؛ بنابراین راحت نمی‌شود با پروژه‌های بزرگ مخالفت کرد و همیشه توجیه‌هایی به دنبال آن می‌آید که در نهایت این پروژه‌ها اجرا می‌شوند. مورد دوم این است که هر کاری در راستای بهره‌وری نیازمند تعامل با جامعه است؛ چون همراهی جامعه به شکل‌های مختلف به‌عنوان یک کنشگر قوی لازم است. بخش شرب و کشاورزی به یک شکل و بخش‌های دیگر نیز هر کدام مسائل خاص خودش را دارد و این همراه شدن، نیازمند یک حکمرانی خوب است که توجه داشته باشد و در تعامل با متخصصان و کارشناسان دل سوز جامعه عمل کند. این مدل کارهایی که در راستای بهره‌وری انجام می‌شود، درس‌هایی خواهد داشت که هزینه‌های سیاسی و اجتماعی خیلی سنگینی برای دولت ایجاد می‌کند و بنابراین همین موضوع باعث شده که دولت در بسیاری مواقع سراغ این موارد نرود.

مورد سوم؛ اساساً حتی فساد هم به این شکل نباشد، اجرای موضوعاتی مثل ارتقاء بهره‌وری آب، کاهش مصرف آب در جهت حفظ سهم محیط‌زیست، کاهش مصرف آب توسط بالادست باهدف رسیدن آب به پایین‌دست، بازتخصیص از بخش‌های قبلی مصرف‌کننده (مانند کشاورزی در جهت رفع نیازهای ایجادشده جدید در سایر بخش‌ها، مثل بخش شرب یا صنعت و مواردی از این قبیل) در هر جای دنیا که شباهت‌های اقلیمی وجود دارد و هم‌چنین در شرایطی که ما با آن مواجه هستیم، بسیار بسیار پیچیده خواهد بود. بدیهی است در مورد رودخانه آمازون صحبت نمی‌کنیم که منابع آبی آن برای هر نوعی از مصرف جوابگو است.

درمجموع بازی کردن و جابه‌جا کردن حقوق آب خیلی سخت و پیچیده است



نکته‌ای که وجود دارد این است که این آسیب بسیار پویا خواهد بود. ۳۰ سال پیش کسی تصور نمی‌کرد که جلگه خوزستان تبدیل به منشایی از ریزگرد می‌شود که نیمی از مساحت کشور را درگیر خود می‌کند و یا در مورد گیلان که ممکن است روزی با کمبود آب روبه‌رو شود و مواردی از این قبیل. لذا باید در نظر داشت ۲۰ تا ۳۰ سال آینده مسائلی وجود خواهد داشت که امروز نمی‌توان آن‌ها را پیش‌بینی نمود. درمجموع این تصور «که می‌شود آبی را منتقل کرد و برای مسائل و مشکلات آن از پیش چاره‌اندیشی کرد و آن‌ها را به حداقل رساند»، به نظر خیلی واقع‌بینانه نیست.

♦ چرا منابع مالی که صرف هزینه‌های سنگین انتقال آب می‌شود، صرف ارتقاء بهره‌وری در فرآیندهای موجود مصرف آب در نمی‌شود، آیا ارتقای بهره‌وری مصرف آب در حد انتقال آب جوابگو نیست؟

زه‌کشی آن‌ها وارد می‌کند. در مورد ارائه راهکار باید گفت، بهتر است خیلی امیدوارانه به دنبال پاسخ به این سؤال نباشیم! شاید برای امروز که پروژه در حال اجراست بتوان فکری کرد و این آسیب‌ها را به حداقل رساند و مردم را راضی نگه داشت، اما با نگاه درازمدت به این پروژه، تونل‌هایی که به‌واسطه آن حفر می‌شوند و لوله‌ها و آبی که منتقل می‌شود تبدیل به یک بخشی از حیات اجتماعی مبدأ و مقصد منطقه خواهد شد و جلوی چشم مردم است و در هر خشکسالی، نفرین‌ها به سمت آن می‌آیند، تراکتورهایی که لوله را می‌شکنند! به عبارتی این خط لوله دقیقاً تبدیل به یک عضوی از جامعه خواهد شد که قرار است با آن همزیستی کند، همزیستی که از همان ابتدا تعارض‌های جدی ایجاد کرده و باید منتظر آینده‌ای بود که این تعارض‌ها تبدیل به جنگ و این داستان‌ها شود.

بهره‌وری در مزرعه شده‌اند، اما در عوض آبی که قبلاً داخل زمین نفوذ می‌کرده و آبخوان‌ها از آن تغذیه می‌کردند و به‌واسطه آن زهکشی صورت می‌گرفته و جریان پایدار رودخانه و تالاب حفظ می‌شده، الان از بین رفته است؛ بنابراین در خیلی از موارد باید به موضوع بهره‌وری با دید انتقادی نگاه کرد و خیلی چشم بسته به سمت آن حرکت ننمود.

◆ توسعه فعالیت‌های اقتصادی آب چقدر مبتنی بر معیار و چقدر بی‌رویه است؟

فعالیت‌های اقتصادی آب چه فعالیت‌های اقتصادی صحیحی که با معیار میزان مصرف آب سنجیده می‌شوند و چه فعالیت‌های اقتصادی که با پروژه‌های آبی و آب‌رسانی، شبکه‌های آب‌رسانی، سد و غیره همراهند را شاید خیلی ساده نشود با معیارهایی از پیش مشخص و جهان‌شمول بررسی نمود و باید مورد به مورد در خصوص آن‌ها صحبت کرد. به‌طور کلی موضوع کاملاً آشکار این است که میزان مصرف آب و در واقع میزان وابستگی به مصرف آب آن‌قدر زیاد شده که چالش‌های زیادی را به وجود آورده، از جمله این‌که در موارد زیادی حقوق محیط‌زیست یا حقوق بهره‌برداران تأمین نمی‌شود و یا قیمت تمام شده آب خیلی بیشتر از گذشته است.

بنابراین اگرچه معتقدم که سراغ معیارهای دقیق و سفت‌وسخت نرویم، اما می‌توان گفت وضعیت نامناسبی که به دلیل بارگذاری زیاد در منابع آب داریم، قابل کتمان نیست.

◆ آمایش سرزمین متناسب با منابع آب تجدید پذیر در گذشته مورد بی‌توجهی قرار گرفته است، امروزه و برای آینده چه اندیشیده شده است؟

در ادامه سؤال قبل به اعتقاد من آمایش سرزمین نیز یکی از همان معیارهای از پیش مشخص شده است که می‌خواهد تصویری با جزئیات کامل و شرایطی ایده‌آل

◆ بهبود در وضعیت منابع آب از طریق افزایش بهره‌وری، معطل چه عوامل و اقداماتی است؟

با وجود مواردی که در سؤال قبل اشاره شد بخشی از راه‌حل مسئله این است که باید شکلی از تولید اجرا شود که با مصرف آب کمتر بتوان ارزش بیشتری را خلق کرد؛ برای این منظور وجود عواملی مثل زیرساخت، دانش، آموزش و تعامل دولت و مردم می‌تواند تأثیرگذار باشد. البته باید به این موضوع توجه کرد لزوماً مسائلی که ما امروز در آب داریم، تنها به موضوع بهره‌وری بر نمی‌گردد و حتی در مواردی بهره‌وری می‌تواند خود باعث حادث شدن مشکل آب شود؛ برای مثال در مناطقی که روی بهره‌وری آب تمرکز شده به ازای مصرف آب، تولید ارزشمندتری صورت گرفته و همین موضوع باعث هجوم بیشتر به منابع آب شده است. مثال دیگر این‌که اگر بهره‌وری را در مقیاس مزرعه در نظر بگیریم، درست است سیستم‌های آبیاری تحت فشار باعث ایجاد

نکته مهم دیگری که جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خودش را دارد، این است که اساساً این گزاره که «ما جایی آب اضافه داریم، یک توهیم است». از خوزستان گرفته تا جلگه‌های حاشیه خزر، ما جایی آب اضافه که قابل انتقال باشد، نداریم. همان‌طور که مستحضربید امسال در شالیزارهای گیلان مسئله تأمین آب وجود داشته، در خوزستان سال‌هاست چالش‌ها از ریزگردها گرفته تا کشاورزی و شرب، خودش را نشان داده است. لذا این موضوع باعث می‌شود که حوزه مبدأ نیز درگیر چالش‌های جدی شود. به عبارتی جامعه‌ای که قبلاً از آن آب استفاده می‌کرده، احساس بی‌عدالتی می‌کند و برای احقاق حق خود تلاش می‌نماید، موضوعی که مصادیق آن را زیاد دیده‌ایم؛ به‌عنوان مثال تخریب خط لوله، اعتراض و داستان‌هایی از این قبیل.

و مسائلی به وجود می‌آورد که تاریخی از حقوق و تعارض را به دوش می‌کشند و در این خصوص روایت‌های مختلفی نقل شده است. لذا در دولت‌هایی مثل آمریکا، اسپانیا و استرالیا نیز شرایط مشابهی است و دولت‌ها به پروژه‌هایی که صفر تا صد آن‌ها مشخص است و فقط باید برای آن هزینه کنند، بیشتر علاقه‌مند هستند و با آن راحت‌تر کنار می‌آیند.

◆ بهره‌وری آب در ایران و جهان و کشورهای منطقه را چگونه مقایسه می‌کنید؟

بهره‌وری در آب را می‌توان این‌طور تعریف کرد که به ازای هر مترمکعب چه مقدار محصول تولید یا چه قدر ارزش خلق می‌کنیم. با مقایسه میزان بهره‌وری در بخش‌های مختلف بررسی می‌شود که بهره‌ور هستیم یا خیر؟ موضوع بهره‌وری آب کمی پیچیده‌تر از تعریف آن است. اولاً مصرف آب کارکردهای دیگری هم غیر از تولید ارزش افزوده دارد، ثانیاً برای تولید ارزش افزوده اقتصادی آب تنها نهاده نیست. میزان بهره‌وری بنا به موارد مصرف متفاوت است؛ برای مثال بهره‌وری آبی که باهدف ایجاد شغل برای بخشی از جامعه روستانشین یا تأمین بخشی از نیاز غذایی مصرف می‌شود خیلی کمتر از میزان بهره‌وری آبی است که در یک صنعت هایتک مصرف می‌شود، اما این موضوع به این معنی نیست که لزوماً هر جایی که بهره‌وری بیشتر است پس مصرف آب مناسب‌تر است، چون به این ترتیب اصلاً نباید آبی به کشاورزان داد و این موضوع ممکن و منطقی نیست. در بهره‌وری علاوه بر جنس فعالیت اقتصادی؛ عوامل دیگری هم تأثیرگذار هستند؛ از جمله وضعیت خاک و اقلیم، میزان خبرگی نیروی انسانی و داشتن دانش‌های لازم، فراهم بودن زیرساخت‌ها و غیره. لذا وقتی تعریف دقیقی از بهره‌وری در دست نیست، مقایسه کردن نه کار راحتی است و نه لزوماً نتیجه این مقایسه معیار اساسی برای تصمیم‌گیری است.

و فرونشست زمین صدای محیطزیست شود و خودش را فریاد بزند و به این شکل جلوی حذف سیستماتیک خود را بگیرد.

من به‌عنوان یک کارشناس و شما به‌عنوان یک رسانه باید تلاشمان این باشد که قبل از این‌که کار به جایی برسد که آن صدا از قعر چاه بیرون بیاید و مدت زیادی از حذف شدن آن گذشته باشد، به مرئی و شنیدنی شدن هر کدام از گروه‌های درگیر موضوع آب کمک کنیم و صدایشان را منعکس و به تقویت آن‌ها کمک نماییم.

شاید این راهکاری که من ارائه کردم با آن اصطلاح سیاستی که شما مطرح می‌کنید خیلی هماهنگ نباشد چون دولت‌ها در همه دنیا و شاید در کشوری همچون ایران بیشتر، تمایل دارند که گروه‌های مختلف تشکیل نشوند و مطالبه‌گری نکنند؛ برای مثال یک‌زمانی دولت برای حل مسئله آب، ساخت سد را پیشنهاد داد. در آن زمان کسی از پایین‌دست اعتراض نمی‌کرد که این کار در چهل سال آینده برای او درس‌ساز است و یا آن بالادستی سد در مورد حق خودش حرفی نمی‌زد و یا روستاهایی که تخلیه می‌شدند خیلی صدایی نداشتند و دولت کارش را راحت انجام می‌داد. اساساً دولت تمایل به جامعه‌ای دارد که سر تعظیم جلوی‌ش خم کند و به اصطلاح «آش را با جاش» در اختیار دولت دانای عاقل، مدیر و مدبر قرار دهد که هر کاری که دوست دارد، انجام دهد، تجربه چند دهه گذشته به ما نشان داده که دولت با این رویکرد دیگر راه به جایی نمی‌برد.

درمجموع آن تصویر و آن چشم‌انداز مطلوبی که من از آب می‌سازم، به‌واسطه همین پژوهش‌های انتقادی، رسانه‌ها و مهم‌تر از این‌ها تشکل‌های کشاورزی، شهروندی و محیط‌زیستی تمایل دارد که بیشتر تلاش کند خارج از دولت آن را محقق نماید. در پایان اگر بخواهم تحت فشار بگویم که سیاست چه کمکی می‌تواند کند؛ پیشنهاد می‌کنم که افراد دغدغه‌مند دولتی تلاش کنند تا جلوی حذف سیستماتیک را بگیرند. ♦♦

نمی‌توان گفت کدام یک از گروه‌ها درست می‌گویند و بقیه حرف‌هایشان باطل است. ولی آمایش می‌خواهد «تجویز درست» را ارائه دهد.

♦♦ مهم‌ترین سیاستی که برای مدیریت آب، بویژه در مناطقی که برائتر کم‌آبی با مشکلات مواجهند باید اتخاذ شود، چیست؟

به اعتقاد من پاسخ این سؤال نمی‌تواند جواب ساده‌ای داشته باشد چون اگر چنین بود تاکنون می‌بایست راه‌حل ارائه می‌شد و مسئله حل شده بود.

به‌طورکلی در موضوع حکمرانی آب باید شرایطی فراهم شود که گروه‌های مختلفی که در این تعارض حضور دارند و مصداق آن را در مثال زاینده‌رود آوردیم، بتوانند با صدای خودشان مطالبه‌گر باشند و حق خودشان را پیگیری کنند و به‌صورت سیستماتیک هیچ گروهی حذف نشود؛ برای مثال این‌طور نباشد که محیط‌زیست حامیانی با صدایی بلند نداشته باشد، حتی اگر هیچ‌کدام از انسان‌ها به فکرشان نرسد، نهایتاً محیط‌زیست ممکن است کارش به‌جایی برسد که خود صدایش را بلند کند و ریزگرد

ارائه دهد که آب باید به این شکل مصرف شود، فعالیت‌های اقتصادی این‌گونه باشند، سکونت انسان و توزیع فضایی فعالیت‌ها و جمعیت باید این شکل مطلوب را داشته باشد. در صورتی‌که اگر با جزئیات بیشتری به این موضوع توجه کنیم، درمی‌یابیم که در مورد مسائلی صحت می‌کنیم که بسیار تعارض برانگیز هستند و درواقع صحنه‌ای از تعارض و نزاع بین گروه‌های مختلف وجود دارد و برای دعوایی که ممکن است چند ده سال سابقه داشته باشد، یک جمع متخصص، دولتی، نخبه یا خبره نمی‌تواند فرمول مشخصی ارائه دهند؛ برای مثال در مسئله زاینده‌رود گروهی از حقوق محیط‌زیست، عده‌ای از کشاورزانی که چند نسل از آب استفاده می‌کردند، گروهی از شهر و پایداری آن و آثار باستانی شهر دفاع می‌کنند و در این بین ممکن است گروهی بر این عقیده باشند که چرا باید فعالیت اقتصادی منطقه مثل صدسال پیش باشد و باید صنایع جدید از آب برخوردار شوند و غیره؛ بنابراین آمایش سرزمین به اعتقاد من باطل می‌شود، چون ما در مورد یک تعارضی صحبت می‌کنیم که از قبل

